

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سرگئی کاژمیاکین - (Sergey Kodhemyakin)
برگردان از: ا. م. شیری
۰۵ می ۲۰۱۹

دژ کوریا باب دندان ایالات متحده آمریکا نیست



شرق آسیا در آستانه جنگ قرار گرفته است. در اثر سیاست هرچومرج طلبانه آمریکا، منطقه با خطر تلفات بی‌شمار مواجه شده است. دولت ترمپ با ایجاد کانون مناقشه جدید، نه تنها برای از بین بردن رژیم مستقل کوریای شمالی، حتی برای ایجاد مشکل جدی برای چین سعی می‌کند.

اشتباه فوکویا

کتاب فرانسیس فوکویا زیر عنوان "پایان تاریخ و آخرین انسان"، که درست ربع قرن پیش انتشار یافت، حاوی ادعاهای پر طمطراق زیادی بود. بنا به ادعای مؤلف در این بیانیه ایدئولوژیک نئولیبرالیسم، با "شکست کمونیسم و

بازگشت ناپذیری آن"، جنگ‌ها و مناقشات موجودیت بشری را تحت‌الشعاع قرار نخواهند داد، و "پیروزی کامل و نهائی دموکراسی لیبرالی" راه ایجاد تمدن واحد جهانی را خواهد گشود.

امروز ایده‌های مذکور در کتاب بشدت خیره‌سزانه به نظر می‌رسد. نابودی اتحاد شوروی و دور تازه گسترش سرمایه‌داری مناطق وسیعی از جهان را در هرچومرج فرورد. محاسبه و قیاحانه و لجام‌گسیخته سرمایه به آن منجر گردید، که در ده‌ها مناقشه خونین سالانه صدها هزار نفر کشته می‌شوند. احتمال می‌رود شرق آسیا هم به منطقه خاورمیانه و افریقا که شرکت‌ها برای تصرف منابع، دولت‌ها و ملت‌ها را به خاک و خون می‌کشند، اضافه شود.

علت اصلی این عبارت است از: قدرت اقتصادی و سیاسی در حال رشد چین و سایر کشورها که از ورود به حاشیه با "حقوق پرندگان" نظام سرمایه‌داری امتناع می‌ورزند. آنها با نمونه خود افسانه لیبرالی در خصوص "پایان تاریخ" کمونیسم را به نبرد فرامی‌خوانند. خلاف جریان اتفاق می‌افتد: نه فقط چین میلیاردری، حتی کشور کوچک جمهوری دموکراتیک خلق کوریا می‌تواند به طور مساوی با ایالات متحده آمریکا سخن بگوید. پیروزی جمهوری خواهان متکی بر مجتمع‌های نظامی-صنعتی و پیرو ایدئولوژی امریکای "نجات‌بخش"، رویارویی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

۲۱ ماه اگست در جنوب شبه‌جزیره کوریا رزمایش چندجانبه نظامی "یلچی- فریدوم گاردین ۲۰۱۷" آغاز گردید. واحدهای نظامی انگلستان، استرالیا، نیوزلاند، کانادا، دنمارک، هالند و کلمبیا به همراه نظامیان کوریای جنوبی و امریکا در آن شرکت کردند. یک اتفاق جالب این که همه این کشورها، منهای دنمارک، در جنگ سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۵۳ علیه کوریا به پشتیبانی از سئول و واشینگتن شرکت داشتند. و این هم‌آوائی یک مورد استثنائی نبود. مانورهای مشابه "یلچی- فریدوم گاردین ۲۰۱۷" به معنای رایج کلمه، آموزشی شمرده نمی‌شوند. این استقرار کامل همه انواع واحدهای نظامی، که عملیات تهاجمی در نزدیکی مرز جمهوری دموکراتیک خلق کوریا و در شرایط حداکثر نزدیک به نبرد، تمرین جنگ بود. در این رزمایش ۵۰ هزار نظامی کوریای جنوبی و ۱۷ هزار و ۵۰۰ نظامی امریکائی شرکت داشتند.

پیونگیانگ با واکنش شدید به رزمایش‌ها، آنها را "تمرینی برای هجوم" نامید و خواستار پایان دادن به تحرکات در مرز کشور شد. پنتاگون طبق معمول موضع کوریای شمالی را نادیده گرفت و اعلام کرد، که مانورها "آمادگی برای دفاع از منطقه و تأمین ثبات در شبه‌جزیره کوریا" را ارتقاء می‌دهد. ماهیت این "ثبات" روشن است: همه این‌ها بر روی پایه منافع امریکا که برای گسترش نفوذ خود در شرق آسیا سعی می‌کند، استوار است.

تضمین راکتی- هسته‌ای

دلیل حضور امریکا عبارت است از برنامه راکتی- هسته‌ای جمهوری دموکراتیک خلق کوریا. رسانه‌های جهان آن را تا سطح "خطر جهانی" بزرگ‌نمایی کرده‌اند. به طوری که سه چهارم شهروندان امریکا برنامه دفاعی پیونگیانگ را "تهدید بحرانی" برای کشور خود تلقی می‌کنند. و این در حالی است، که بر اساس نظرسنجی اخیر، فقط یک دهم امریکائی‌ها می‌توانند جای کوریای شمالی را در روی نقشه نشان دهند.

چنین روش دستکاری آگاهی را واشینگتن در سال‌های موجودیت اتحاد شوروی تدوین و تکمیل نمود. ضمناً، همانطور که امریکا، فرانسه، انگلستان و همه کشورهای دارنده تسلیحات اتمی از حق داشتن آن برخوردار هستند، دستیابی به فن‌آوری راکتی و هسته‌ای حق قانونی پیونگیانگ است. استناد به این که حاکمیت کوریای شمالی حاضر نیست برنامه هسته‌ای خود را تحت نظارت بین‌المللی قرار دهد، تردید برانگیز است. واشینگتن به رفتار مشابه از سوی اسرائیل که ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای و راکت های بالستیک قارمپیما برای پرتاب آنها در اختیار دارد، چشم می‌بندد.

علاوه بر این، جمهوری دموکراتیک خلق کوریا دارای تجربه آموزنده‌ای می‌باشد. در اوایل دهه گذشته پیونگیانگ با ورود بازرسان به تأسیسات خود موافقت کرد، اما ایالات متحده آمریکا و جاپان خواستار برچیدن کامل برنامه هسته‌ای آن با نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شدند. کوریای شمالی به خواست آنها پاسخ منفی داد و، همانگونه که حوادث بعدی نشان داد، این یک پاسخ خردمندانه بود.

حتی امروز از ریایی مثبت از این تصمیم را می‌توان در غرب شنید. رئیس بنیاد جهانی تحقیقات ستراتیژیک، فرانسوا هایسبورگ اعتقاد دارد، که "کوریای شمالی از تجربه عراق و لیبیا به چنین نتیجه‌گیری رسید. نگرانی‌های آن را می‌توان بی‌اساس حساب کرد، اما آنها کاملاً واقعی هستند. به همین سبب، این کشور عاقلانه رفتار می‌کند".

سرنوشت غم‌انگیز قربانیان تجاوزات آمریکا بهتر از همه ساختارهای نظری ثابت می‌کند، فقط آن کشور شانس بقاء دارد، که به دفاع از خود قادر باشد. تلاش‌های جمهوری خلق کوریا برای ساخت سپر راکتی- هسته‌ای فقط با دفاع و نه با هیچ گونه برنامه توسعه‌طلبانه قابل توضیح است. لازم به یادآوری است، که خلاف ایالات متحده آمریکا، پیونگیانگ در هیچ ماجراجویی نظامی و در هیچ تهاجم نظامی به یک کشور مستقل شرکت نکرده است. رهبری کوریای شمالی همواره بر ماهیت دفاعی برنامه هسته‌ای کشور تأکید کرده است. تا جایی که اخیراً نماینده دائمی کوریای شمالی در ملل متحد، کیم این ریون اعلام کرد، که به منظور حراست از حاکمیت ملی و دفاع از امنیت جمعیت، کشور در نظر ندارد از سلاح هسته‌ای چشمپوشی کند. در این باره روزنامه مرکزی دولتی "نودون سینمون" نیز در تاریخ ۱۹ اگست نوشت. در آن گفته می‌شود: تسلیحات جمهوری دموکراتیک خلق کوریا هیچ کشوری را که حاضر نیست همراه با واشینگتن به اقدام مسلحانه علیه پیونگیانگ دست بزند، تهدید نمی‌کند. در ادامه مقاله گفته می‌شود: "هدف از تقویت توان هسته‌ای کشور بازداشتن ایالات متحده از برداشتن گام‌های گستاخانه برای آغاز جنگ هسته‌ای می‌باشد".

به دیگر سخن، کوریای شمالی با توجه به این که تسلیحات خود را به مثابه ابزار بازدارندگی در مقابل حمله از سوی واشینگتن تعریف می‌کند، در نظر ندارد از آنها در حمله پیش‌دستانه استفاده کند. با این حال، این موضع پیونگیانگ را سیاستمداران و رسانه‌های جمعی خارجی نادیده می‌گیرند. هدف آنها، جنجالی و خونخوار معرفی کردن رهبری جمهوری دموکراتیک خلق می‌باشد. حوادث اخیر نیز این مدعا را ثابت می‌کند. هشتم ماه گست دونالد ترامپ "آتش و خشمی به کوریای شمالی وعده داد که جهان نظیر آن را ندیده است".

پس از چند ساعت پیونگیانگ طی یکسری عبارات کاملاً آرام تکمیل برنامه آزمایش راکت میان‌برد "هواسون-۲" برای شلیک به پایگاه نظامی آمریکا واقع جزیره گوآم را اعلام نمود. با وجود این که جمهوری دموکراتیک خلق کوریا به طور دقیق توضیح داد که راکت در فاصله ۳۰-۴۰ کیلومتری جزیره، در آب‌های بین‌المللی فرود خواهد آمد، از این بیانی به مثابه دلیل اثبات قصد تهاجمی پیونگیانگ بهره‌برداری شد. کارزار شدید بیش از یک هفته ادامه یافت. حیرت‌انگیز است، اما رسانه‌های جهانی در مقابل اطلاعات منتشره در خصوص طرح حمله فلج‌کننده آمریکا به ۲۰ پادگان نظامی جمهوری دموکراتیک خلق کوریا در همان روزها دوستانه "سکوت" کردند، هر چند که نیروی هوایی آمریکا از ماه مه تا کنون ۱۱ پرواز آزمایشی مشابه چنین حمله را انجام داده است.

با این وجود، پاسخ شجاعانه پیونگیانگ به هدف خود رسید. لفاظی واشینگتن همانطور که مشهور است فقط زبان قدرت را می‌فهمد، به طرز قابل ملاحظه‌ای تغییر یافت. ۱۳ اگست روزنامه "وال استریت ژورنال" مقاله مشترک وزیر خارجه، تیلرسون و وزیر دفاع، جیمس ماتیس را منتشر نمود. در آن مقاله هر دو "شاهین" که جمهوری دموکراتیک خلق کوریا را تهدید به نابودی می‌کردند، اذعان نمودند، که "ایالات متحده آمریکا به تغییر رژیم و تسریع

اتحاد کوریا" مایل نیست". آن گونه که مقامات رسمی امریکا تصریح نمودند، "ایالات متحده امریکا با وجود این که منتظر پایان دادن به اقدامات نحریک‌آمیز کوریا به شکل آزمایشات راکتی می‌باشد، خواستار مذاکره با پیونگیانگ است".

در نشانگاه چین مشاهده می‌شود

در هر حال، همانطور که تاریخ ثابت می‌کند، این "دانائی" (پسر پادشاه مصر باستان. م.) قابل اعتماد نیست. دولت امریکا که جرأت وارد آوردن ضربه مستقیم به کوریای شمالی را در خود نیافت، به راهکار خفه کردن ادامه می‌دهد. ۵ ماه گست شورای امنیت ملل متحد با درخواست امریکا قطعنامه ۲۳۷۱، در خصوص تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوریا را تصویب نمود. نمایندگان چین و روسیه سعی کردند از شدت تحریم‌ها بکاهند: از جمله، بند مربوط به تحریم کامل مواد سوختی و ممنوعیت صادرات مسنوجات از کوریای شمالی به طور کلی از متن حذف گردید. با این حال، محدودیت‌ها کاملاً قابل ملاحظه هستند: کشورهای جهان از خرید مواد معدنی و محصولات بحری پیونگیانگ منع شده، یکسری مؤسسات و برخی شخصیت‌های دولتی نیز تحریم گردیدند. تحریمات در مرز جمهوری خلق کوریا ادامه دارد. هدف آنها، واداشتن جمهوری دموکراتیک خلق کوریا به اقدام متقابل و توجیه گسترش حضور نظامی می‌باشد. در آخر ماه جولای در سواحل شبه‌جزیره کوریا، جاپان و امریکا به مانور نظامی دست زدند که در آن دو بمب‌افکنستراتیژیک ب-۱ شرکت کردند. در کوریای جنوبی شلیک راکت‌های بالستیک "ATACMS" (امریکا) و "هیون‌می-۲" (کوریای جنوبی) به وقوع پیوست. علاوه بر این، سؤال با استقرار چهار واحد تکمیلی دفاع ضد راکتی "تاد" موافقت کرد. لازم به یادآوری است، که انتقال آنها از امریکا در آغاز بهار شروع شد، اما رئیس‌جمهور جدید، مون‌چزه‌این استقرار آنها را به حالت تعلیق درآورد. اما، حالا سؤال عقب‌نشینی کرده است.

این تصمیم، تناقض سیاست مون‌چزه‌این را بار دیگر نشان می‌دهد. او با انتخاب خود به عالی‌ترین مقام سیاسی در ماه مه، عادی‌سازی روابط با همسایه شمالی را وعده کرد. اینگونه وعده‌ها حالا هم شنیده می‌شود. رئیس‌جمهور در کنفرانس مطبوعاتی روز ۱۷ اگست به مناسبت صد روزگی ریاست جمهوری خود اظهار داشت، که "در شبه‌جزیره کوریا دیگر هیچ وقت جنگ نخواهد شد". او اضافه کرد: "مذاکرات باید شروع شود". اما به عکس، هنگام دیدار از المان در چهارچوب اجلاس "گروه بیست بزرگ" در ماه جولای، مون‌چزه‌این بیانیه به اصطلاح برلین چنگ زد. در آن بیانیه اهمیت برقراری روابط صلح‌آمیز درازمدت بین سؤال و پیونگیانگ مورد تأکید قرار گرفته است.

به موازات این، رهبری کوریای جنوبی خلع سلاح اتمی جمهوری دموکراتیک خلق کوریا را شرط مطلق عادی‌سازی مناسبات می‌خواند، که به نظر می‌رسد برای پیونگیانگ غیرقابل قبول است. اضافه بر این، مون‌چزه‌این در دیدار از واشینگتن تصریح نمود، که "اتحاد بزرگ کوریا و ایالات متحده امریکا اگر در مقابل تهدید اتمی شمال عقب‌نشینی روی ندهد، می‌تواند باز هم بزرگتر شود". هر انتظاری غیر از این نشانه سادملوحی است. نخبگان کوریای جنوبی بیش از آن به واشینگتن وابسته هستند، که رئیس‌جمهور بتواند در نظر نگیرد. علاوه بر این، حزب او در پارلمان در اکثریت نیست و نیروی اصلی مخالف- حزب "کوریای آزاد" امریکا را به استقرار تسلیحات اتمی در کشور فرامی‌خواند.

سیاست سؤال و واشینگتن موجب افزایش هر چه بیشتر هشدارها در بیجینگ می‌شود. رهبری جمهوری خلق چین بخوبی می‌فهمد که تشدید فعالیت امریکا و متحدان آن فقط متوجه پیونگیانگ نیست. مقر بخش عمده راکت‌های

بالستیک قاره‌پیما، و همچنین، پایگاه اصلی ناوگان شمالی چین در مناطق شمال غربی چین- مناطق هم‌مرز با جمهوری دموکراتیک خلق کوریا واقع است.

به همین دلیل بیجینگ در مقابل طرح استقرار راکت‌های "تاد" واکنش بشدت منفی نشان داد. گنگ شوآنگ، سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه جمهوری خلق چین تصریح نمود، که این اقدام "ضربه جدی به توازن استراتژیک در منطقه وارد می‌کند و منافع چین را زیر پا می‌گذارد". همچنین، بیجینگ ایالات متحده آمریکا را به احتراز از درگیر کردن جنگ فرامی‌خواند. فان چان‌لون، معاون رئیس شورای مرکزی نظامی جمهوری خلق چین هنگام ملاقات با جوزف دانفورد، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، که در آستانه انجام مانور "یلچی- فریدوم گاردین ۲۰۱۷" به کشورهای منطقه سفر کرده بود، اظهار عقیده نمود، که اقدامات نظامی نباید وسیله‌ای برای حل و فصل مشکل شبه‌جزیره کوریا باشد. البته، دانفورد روحیه جنگجویانه خود را پنهان نکرد. او تهدید کرد: "اگر کارزار فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی کارساز نباشد، من باید به هر کاری دست بزنم تا رئیس جمهور آمریکا برای گزینه نظامی دلایل واقعی در دست داشته باشد".

مقامات آمریکا از بحران کوریا برای تشدید فشارها به بیجینگ استفاده می‌کنند. ترمپ در ۱۴ گست، که تا این تاریخ چین را به بی‌میلی در اعمال فشار به جمهوری دموکراتیک خلق کوریا متهم می‌کرد، دستورالعملی دایر بر تحقیقات در خصوص نقض احتمالی مالکیت معنوی آمریکا از سوی چین صادر کرد. مقامات آمریکا جمهوری خلق چین را به آن متهم می‌کنند، که شرکت‌های امریکائی شاغل در این کشور را به دادن اطلاعات مجبور می‌کنند. در نتیجه بازرسی، واشینگتن می‌تواند عوارض کالاهای وارداتی از چین را به طور ناگهانی افزایش دهد. در چین نیز قول دادند به اقدام متقابل دست بزنند.

علاوه بر این، کنگره آمریکا طرح فروش تسلیحات به ارزش یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار به تایوان را تأیید کرد. ناو امریکائی "جون مک‌کین" طی یک حرکت نمایشگرانه در تاریخ ۱۰ گست از نزدیکی جزیره سبراتلی که جمهوری خلق چین بخشی از خاک خود می‌داند، عبور کرد. اصرار خشن ایالات متحده آمریکا کاملاً قابل درک است: سرنوشت شرق آسیا و، در کل، هژمونی جهانی آمریکا، به رشد حوادث در شبه‌جزیره کوریا وابسته است.

<http://gazeta-pravda.ru/issue/93-30590-25-28-avgusta-2017-goda/koreyskaya-tsitadel-ssha-ne-po-zubam/>

ا. م. شیری